

واکاوی دلایل پایان اسد

رامین فخاری

طی روزهای گذشته حکومت بشار اسد در سوریه با يك سرعت باورنکردنی فروریخت که می‌توان گفت فروپاشی حکومت بشار اسد با این سرعت باورنکردنی دارای زمینه‌هایی بوده است که در این نوشته قصد داریم به زمینه‌های فروپاشی حکومت بشار اسد بپردازیم.

1- تضاد دولت و ملت: باید به این موضوع اشاره کرد که تضاد دولت و ملت در همه کشورهای جهان تا اندازه‌ای وجود دارد؛ اما این گسل یا تضاد در سوریه به‌صورت قدرتمندی وجود داشت؛ زیرا با توجه به قوم‌گرایی و مذهب‌گرایی در کشورهای عربی، در سوریه يك اقلیت علوی بر يك اکثریت سنی هفتاد درصدی حکومت می‌کردند و این تضادها تا قبل از سال 2012 و تحریم‌های سوریه آنچنان مشهود نبود؛ ولی با نابودی اقتصاد این کشور این تضادها مشهود شد. این تضاد دولت و ملت در دوران جنگ گذشته داخلی سوریه به‌اندازه‌ای مشهود بود که اخباری به گوش می‌رسید که حتی در برخی خانواده‌ها تعدادی از اعضای خانواده در ارتش سوریه و تعدادی در داعش در حال جنگ هستند که نشانگر عمق تضاد دولت و ملت در این کشور بود.

2- ناکارآمدی اقتصاد سوریه: تا قبل از سال 2012 تولید ناخالص داخلی ملی سوریه در حدود پنجاه میلیارد دلار بود که در آن زمان این میزان تولید ناخالص داخلی ملی با توجه به ارزش دلار در آن زمان و جمعیت سوریه يك اقتصاد تقریباً متوسط را برای این کشور به ارمغان آورده بود که این اقتصاد متکی بر دو بازو یعنی منابع انرژی سوریه که عمدتاً در شمال شرق این کشور و همچنین گردشگری که عمدتاً بر سواحل دریای مدیترانه متمرکز بود، استوار بود؛ اما پس از سال 2012 و ناآرامی‌های این کشور صنعت گردشگری این کشور به‌طور کامل نابود شد و گردشگران مقاصد دیگری را انتخاب کردند. همچنین منابع انرژی این کشور نیز تحت کنترل نیروهای آمریکایی و کردها قرار گرفت و این بازوی اقتصادی سوریه نیز عملاً فلج و مضاف بر این تعدادی از سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ از جمله قانون سزار علیه سوریه اعمال شد تا اندازه‌ای که در 2020 تولید ناخالص داخلی ملی سوریه به هشت میلیارد دلار رسید که رقم بسیار ناچیزی بود و يك نارضایتی اقتصادی بزرگ را به ارمغان آورد که بدون تردید حقوق

پایین کارکنان ارتش و ناراضی‌های مردمی از مسائل اقتصادی نقش مهمی در فروپاشی حکومت بشار اسد داشته است.

3- عدم چرخش قدرت در سوریه: باید به این موضوع اشاره کرد که قدرت باید يك مساله سیال باشد و حکومت‌هایی که در آنها به‌طور دوره‌ای قدرت به‌صورت انتخابات ریاست‌جمهوری یا عوض‌شدن نخست‌وزیر و دولت می‌چرخد پایدارتر هستند؛ اما در سوریه که به‌نوعی از دیرباز تحت‌تأثیر فرانسه به‌عنوان يك کشور دموکراتیک بوده است، بشار اسد از سال 2000 به مدت بیست و چهار سال قدرت را در اختیار داشت و قبل‌از وی حافظ اسد پدرش به مدت بیست و نه سال قدرت را در اختیار داشت که مشاهده وجود انتخابات و چرخش قدرت و دولت در کشورهای همسایه و منطقه از جمله لبنان و ترکیه و ایران و عراق می‌توانسته به‌نوعی ناراضی‌های مردمی و نخبگانی را از حکومت این کشور پدید آورد و علاوه بر اینها عملاً بشار اسد هیچ‌کدام از نیروهای سیاسی و نخبگان را در قدرت شریک نمی‌کرد و قدرت عملاً در دستان اقلیت علوی بود که این مساله نیز زمینه‌ساز ساقط شدن حکومت بشار اسد شد.

4- جنگ اوکراین: جنگ اوکراین عملاً تمرکز روسیه را از سایر نقاط جهان از جمله قفقاز و سوریه گرفت و روسیه ناگزیر بود که نیروهای خودش را در مرزهای اوکراین مستقر کند و کاهش تمرکز نظامی روسیه از سوریه نیز می‌تواند یکی از موارد زمینه‌ساز ساقط شدن حکومت بشار اسد شود.

5- کاهش تمرکز ایران بر سوریه: باید به این موضوع اشاره کرد که به‌نوعی در سال‌های گذشته تمرکز ایران از سوریه کاسته شده بود که دلایل مختلفی داشت از جمله اینکه گفته می‌شود عدم تمایل خود بشار اسد و برخی اقدامات بشار اسد پس‌از پایان جنگ داخلی به‌نوعی بی‌میلی را در طرف ایرانی برای حمایت کامل از بشار اسد ایجاد کرده بود که از جمله آنها می‌توان تلاش برای نزدیک‌شدن به اعراب حاشیه خلیج فارس و غرب و اشغال‌شدن بازارهای سوریه توسط کالاهای ترکیه و تلاش حکومت بشار اسد برای محدود کردن حضور ایران در خاک این کشور و در برخی تحلیل‌ها عدم همراهی کامل بشار اسد با ایران اشاره کرد، مضاف بر این مساله، بشار اسد در ماه‌های اخیر نیز با برخی اقدامات امارات علیه حاکمیت ملی ایران با احتمال تلاش برای جذب سرمایه اماراتی‌ها همراهی دیپلماتیک کرده بود در شرایطی که ایران برای حفظ بشار اسد هزینه‌های مالی و جانی بسیاری را متحمل شده بود این اقدام در هر جایی دیگر جهان می‌تواند منجر به قطع حمایت سیاسی و نظامی شود.

6- رخدادهاي امنیتی غرب آسیا: در يكسال اخیر غرب آسیا شاهد رخدادهاي امنیتی مختلفی بوده است که درگیرشدن حزب‌الله لبنان در جنگ اسرائیل و همچنین تضعیف حزب‌الله لبنان که عملاً یکی از متحدان

منطقه‌ای بشار اسد بوده بر سقوط بشار اسد موثر بوده و علاوه بر این می‌توان سقوط بشار اسد را بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر در رابطه با تحولات امنیتی غرب آسیا که آغاز آن با حمله به نوار غزه و لبنان بوده است نیز برشمرد.

7- دخالت فعال ترکیه: باید به این موضوع اشاره کرد که کشور سوریه در نهایت دارای مرز مشترک طولانی با ترکیه است و این مساله یک مزیت را برای ترکیه در رابطه با تاثیرگذاری بر تحولات امنیتی سوریه ایجاد می‌کند که ایران به دلیل فاصله طولانی‌تر و نداشتن مرز مشترک دارای این مزیت نیست و عملاً ترکیه می‌تواند حوزه نفوذ قوی‌تری در سوریه و توانایی بیشتری نسبت به ایران بر اثرگذاری بر تحولات امنیتی سوریه داشته باشد و حکومت ترکیه از دهه‌ها قبل به دلیل مسائلی مانند حمایت حافظ اسد از گروه‌های مسلح کرد، مسائل آبی و... عملاً خواهان ساقط شدن خاندان اسد و روی کار آمدن نیروهایی بود که تحت نفوذ خودش بود.

8- فساد در سوریه: حتی تا قبل از سال 2012 و آغاز تحولات امنیتی سوریه نیز یک فساد سیستماتیک اقتصادی در این کشور وجود داشت تا اندازه‌ای که پروژه‌های عظیم اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی تحت نفوذ حکومت بعث این کشور بود که جنگ داخلی و تحریم‌های بین‌المللی نیز به فساد اقتصادی در این کشور دامن زد و بدیهی است که با افزایش فساد نارضایتی‌های مردمی نیز افزایش می‌یابد. این فساد زمینه‌ساز برخی سوءمدیریت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی در سوریه بود.

9- عدم پاکسازی کامل: پس از جنگ داخلی سوریه نیز این کشور به‌طور کامل پاکسازی نشده بود و منطقه شمال غرب که شامل ادلب می‌شد به واسطه نقش‌آفرینی دیپلماتیک ترکیه و ضعف قوای نظامی سوریه پاکسازی نشده بود. همچنین مناطق دیگری از سوریه نیز تحت اشغال کردها، نیروهای امریکایی و همچنین نیروهای مسلح بود که این عدم پاکسازی کامل نیز زمینه‌ساز از بین رفتن امنیت سوریه شد.

10- عدم بازسازی ارتش و کاهش توان نظامی این کشور: باید به این موضوع اشاره کرد که پس از جنگ داخلی سوریه ارتش این کشور تضعیف شده بود و مضاف بر این مساله تحریم‌های بین‌المللی و ضعیف بودن اقتصاد این کشور در هفت سال بعد از پایان جنگ داخلی این کشور فرصت را از بشار اسد برای بازسازی ارتش این کشور گرفته بود و عملاً ارتش سوریه دچار فرسایش شده بود و نارضایتی در ارتش به واسطه دستمزدهای پایین نیز زمینه‌ساز پیشروی آسان نیروهای معارض شد.

11- عدم توانایی برقراری روابط با جهان و فشارهای دیپلماتیک: پس از پایان جنگ داخلی این کشور سوریه در راستای رفع تحریم‌ها ناموفق بوده است و عملاً به یک کشور منزوی مبدل شد و نتوانست با جهان

